

دورة دهم تقنيه

جلسه ٢١

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

بالضمان من قوائين

سه شنبه اول مهر ماه ١٣١٤ - ٢٤ جمادى الثانيه ١٣٥٤

شماره مسلسل: ٧٠٢

قیمت اشتراك } ساليانه
داخله : ٧٥ ريال
خارجه : ١٠٠ ريال
تک شماره : دو ريال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس سه شنبه اول مهر ماه ۱۳۱۴ * (۲۴ جادی الاخری ۱۳۵۴)

فهرست مطالب

- | | |
|--|---|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۵ - معرفی معاونین وزارت امور خارجه و داخله |
| ۲ - بقیه شور مواد لایحه قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت | ۶ - شور بقیه مواد لایحه مربوط بدلائل اثبات دعوی |
| ۳ - تصویب يك فقره مرخصی | ۷ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه |
| ۴ - شور اول بقیه لایحه قانون مدنی راجع بدلائل اثبات دعوی | |

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه ۲۵ شهریور را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - خبر کمیسیون راجع به بقیه مواد قانون مدنی مربوط

به حجر و قیمومت مطرح است ماده ۱۲۴۱ .

ماده ۱۲۴۱ - قیم نمیتواند اموال غیر منقول مولی علیه را بفروشد و یا برهن گذارد یا معامله ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملائمت قیم می باشد و نیز نمیتواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی العموم .

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - چون بنده را غایب بی اجازه خواندند بنده در جلسه گذشته يك ابتلائی داشتم که نتوانستم حاضر شوم (صحیح است) خواستم عرض کنم که اصلاح فرمایند .

رئیس در صورت جلسه نظری نیست (خیر) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - بقیه شور قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت]

* * * عین مذاکرات مشروح بیست و یکمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطلق تالار ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه - آقای دکتر اجنتام .

غائبین بی اجازه - آقایان : دیبا - نزاری - بهبهانی - عباس محمودی - اعظم ونگه - ملک مدنی - مرانی - مهمل - امیر ابراهیمی - پروچردی - مجد ضیائی - اوگانی - مؤید ثانی - میرزائی - اقبال - زرافعی - پناهی - دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادم - هلی و کبلی - بیات - اعتصام زاده - انجمنی - دهستانی - نوبخت .

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۱ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۴۲.

ماده ۱۲۴۲ - قیم نمیتواند دعوی مربوط بمولی علیه را بصلح خانمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - در این ماده که میگوید قیم نمیتواند دعوی مربوط بمولی علیه را بصلح خانمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم. در نقاطی که مدعی العموم نیست خوب بود آقای وزیر عدلیه تشریف میداشتند و توضیح میدادند (در این موقع آقای وزیر عدلیه تشریف آوردند) خواستم عرض کنم در نقاطی از مملکت که مدعی العموم نیست در این جاها برای يك همچو معامله و صلحی چه خواهد شد خوب است يك توضیحی بفرمائید.

وزیر عدلیه - ناچار هر نقطه که صغیر یا عجز باشد در يك حوزه ابتدائی است که در آنجا مدعی العموم هست صاحبیه هم که باشد همان صلحیه باز جزء يك حوزه ابتدائی است. و امور مربوطه به صغیر پیش مدعی العموم بدایت آن نقطه میزود و یا ممکن است مدعی العموم بدایت بدهد کارها را بمدير دفتر و یا مأمورین قضائی.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۲ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۲۴۳.

ماده ۱۲۴۳ - در صورت وجود موجبات موجه مدعی العموم میتواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع بداره اموال مولی علیه بخواهد. تعیین نوع تضمین بنظر محکمه است هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل میشود.

رئیس - آقای طباطبائی دیا.

طباطبائی دیا - در این قانون می نویسد انتخاب قیم مربوط بمدعی العموم است. البته وقتی بخواهد قیم معین کند باید اشخاصی را ملاحظه کند و يك قیمی انتخاب کند که طرف اطمینان باشد در صورتیکه مدعی العموم قیم را انتخاب کرد طرف اطمینان هم بود دیگر معنی ندارد.

نباشد مقصود حفظ اموال صغیر است و حفظ اموال صغیر وقتی است که بحساب صغار رسیدگی شود. باین گوی اشخاص در پار که نمیرسند خوب است يك شعبه مخصوصی برای اینکار معین شود که بحساب صغار رسیدگی شود تا اموال محفوظ بماند اساساً این ماده صحیح است و باید قیم حساب صغار را بدهد و بحسابش رسیدگی شود.

وزیر عدلیه - اظهارات آقا صحیح است و بنده هم در صدد توسعه شعبه قیمومت هستم و مشغولم و امیدوارم انجام شود بطوریکه رضایت بخش باشد. (انشاءالله)

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۴ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۵.

ماده ۱۲۴۵ - قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد و یا رفع حجر بمولی علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید بقیم بعدی داده شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۵ قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۶.

ماده ۱۲۴۶ - قیم می تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل میشود و عملی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین میگردد.

رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده خواستم اینجا یادآوری کرده باشم راجع بحقوق قیم که یا در نظامنامه معین کنند یا در قانون باید میزانش معلوم باشد صدی ایم صدی دو. که از يك اندازه از عایدات مولی علیه تجاوز نکند و البته اگر بطور سر بسته باشد و میزانش معلوم نباشد بنظر بنده این يك قدری اشکال دارد و بهتر این است که معین شود قیم در چه مورد تا چه حد و از چه مأخذ داده میشود. تا کسانی که در يك موقعی بحساب و کتاب قیم رسیدگی میکنند اشکالاتشان کمتر باشد.

وزیر عدلیه - در عمل ملاحظه شده است که قیم دو نحو عمل دارد در اموال صغیر یکی يك کار هائی است موقت که ممکن است خیلی پر زحمت هم باشد مثلاً جمع آوری حساب و کتاب و تقسیم که بسیار کار مشکلی است ممکن است بگوئیم يك آدمی هم که الان زنده است اگر بخواهد به حساب های خودش برسند يك مدتی وقت و زحمت لازم دارد در صورتی که اطلاع از همه چیز خودش دارد ولی قیم يك قسمتی را که هیچ اطلاع ندارد و باید کسب اطلاع کند و صرف وقت کند و زحمت بکشد تقسیمی که در مال صغیر لازم میشود مثلاً کبار ورثه یا صغار دیگر اموال منقول و غیر منقول و تقویم آنها و اینطور چیزها با يك کار های دیگری که برای قیم متمذر و خیلی پر زحمت است ولی موقتی است و قیم يك کار دیگری هم که جاری است دارد آن اداره کردن اموال صغیر است از حیث جمع آوری عایداتش و فروش و مخارج صغیر و ذخیره گذاردن برای او اگر زیاد دارد. در نظر گرفته شد که برای کار های موقتی يك حق العملی مطابق میزان نظر خبره نسبت بنوع کار و صرف وقت و ملاحظه اشخاص و مقدار مال و غیره برآورد شود ولی اینها را نمیشود يك حد و میزان معینی برایش قائل شد چون ضابطه ندارد. در هر مورد يك طرز خبره نظر میگیرد حق الزحمه را. یکی هم در کار های جاری است الان هم عملاً این طور است که نهایتش تا صدی پنج است. و در سال ممکن است قیم از منافع حق الزحمه بگیرد و در جاهائی که زحمت زیادی داشته باشد مثل جمع آوری محصول از دهات که مستلزم رفتن و آمدن و صرف وقت بیشتری است اجازه داده شده است که با موافقت مدعی العموم تا صدی هشت می توان بار داد. این مراتبی است که برآورد شده ولی هیچيك از اینها را مناسب نیست که در قانون ذکر کرد. برای این که ممکن است تغییر کنند و قانون خوب نیست هر روز تغییر کند در نظامنامه ممکن است گذارد و موکول کنیم این قسمت را به نظامنامه.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۶ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۷.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۷ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۸.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۸ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۹.

ماده ۱۲۴۷ - مدعی العموم می تواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلاً یا بعضاً با شخص موقف بامیثت یا مؤسسه و اگذار نماید شخص بامیثت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسؤول ضرر و خسارت وارده بمولی علیه خواهند بود.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۴۷ برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۸

فصل چهارم در موارد عزل قیم

ماده ۱۲۴۸ - در موارد ذیل قیم معزول میشود:

- ۱- اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و با این صفت از او سلب شود.
- ۲- اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاه برداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب
- ۳- اگر قیم بملتی غیر از ملل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند.
- ۴- اگر قیم ورشکسته اعلان شود.
- ۵- اگر عدم لیاقت یا توانائی قیم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود.

۶- در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ بانقضای مدعی العموم.

رئیس - آقای دببا

طباطبائی دببا - در قسمت اول و دوم این ماده اشکالی نیست زیرا در صورتیکه قیم مرتکب جنایت یا جنحه شود لیاقت قیمومت ندارد ولی در قسمت سوم که نوشته آگر بملتی غیر از ملل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند قیم معزول می شود در این مورد معزول کردن قیم معنی ندارد. ممکن است کسی که قیم است بملتی غیر از ملل فوق در حبس باشد و نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند و بلکه کسی را وکالت بدهد پس معزول شدن قیم اساسی نیست زیرا همسری بکرده بملتی

غیر از این علل محبوس شده و نتوانسته امور صغیر را اداره کنند مثل این است که مسافرت کرده. اگر قیم مسافرت کرد به يك محلی و نتوانست امور صغیر را اداره کند ممکن است يك نفر را نماینده قرار دهد او را که معزول نمی کنند يك نماینده معین می کنند. پس با این قسمت بنده موافق نیستم و خوب است این قسمت حذف شود زیرا ممکن است وکالت بدهد بدیگری که اموال صغیر را صحیحاً اداره کند.

وزیر عدلیه - چون قانون باید مرتبط باشد و رعایت همه جهات در هر مورد باید بشود. بکقسمت از محکومین هستند که محکوم به جنایتند و اینها از حقوق اجتماعی محرومند یکی از حقوق اجتماعی هم قیم شدن است. از این جهت اینها نمی توانند این سمت را دارا باشند. ولی در اینجا چیزی که ملاحظه شد این بود که يك معنای جامعی در نظر گرفتیم و نوشتیم این است که بواسطه حبس نتواند با امور مولی علیه رسیدگی کند و این بهتر است. برای اینکه شامل شود محکومین بجنس های تادیبی را ملاحظه فرمائید يك کسی محکوم شد سه سال حبس البته این دیگر نمیتواند با امور صغیر رسیدگی کند در این صورت جا دارد که او را عزل کنیم. اما اینکه دیگری را از طرف خودش نیابت بدهند این کار نیابت بردار نیست برای اینکه خود مدعی العموم و محکمه شرع بآن شخص می دهند و این اختیار را به قیم نمی دهند که او هر کس را که بخواهد از طرف خودش به قیمومت بتواند معین کند. اگر آن کسی که این قیم از طرف خودش معین میکنند طرف اعتماد است مدعی العموم همان را پیشنهاد و معین میکند.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۸ قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۴۹

ماده ۱۲۴۹ - اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد معزول میشود.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۴۹ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۰

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۹ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۰

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۴۹ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۰

ماده ۱۲۵۰ - هرگاه قیم در امور مربوطه با اموال مولی علیه یا جنحه یا جنایت نسبت بشخص او مورد تعقیب مدعی العموم واقع شود محکمه بتقاضای مدعی العموم موقه قیم دیگری برای اداره اموال مولی علیه معین خواهد کرد

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۰ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۱

ماده ۱۲۵۱ - هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی علیه که بسمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یکماه از تاریخ انعقاد نکاح بمدعی العموم بدات حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی العموم نماینده او میتواند با رعایت وضعیت جدید آن زن بتقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم نظر کند.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۲۵۱ موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۲

ماده ۱۲۵۲ - در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر بمدعی العموم یا نماینده او اطلاع بدهد مدعی العموم می تواند بتقاضای عزل او را بکند.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۲ قیام فرمائید (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و سه

فصل پنجم - خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳ - پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع میشود

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۳ قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و چهار.

ماده ۱۲۵۴ - خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی علیه یا هر شخص ذینفع دیگری تقاضا نماید. تقاضا نامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی العموم حوزه که مولی علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او بمحکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۴ قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و پنج.

ماده ۱۲۵۵ - در مورد ماده قبل مدعی العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید.

در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان میشود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۵ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و دویست و پنجاه و شش.

ماده ۱۲۵۶ - رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۵۶ قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. مذاکره در کلیات آخر است (مخالفی نیست) رای گرفته می شود به مجموع مواد آقبائنی که با مجموع مواد موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - خبر کمیسیون راجع به مرخصی آقای دبستانی قرائت میشود

خبر مرخصی

آقای دبستانی برای رسیدگی با امور محلی تقاضای پانزده روز مرخصی از تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۱۴ نموده کمیسیون عراض و مرخصی با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک خبر آرا برای تصویب تقدیم می نماید

رئیس - موافقین با مرخصی آقای دبستانی قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارند.

رئیس الوزراء - حالا خبر

[۴] - شور اول راجع بایچه قانون مربوط بدلائل اثبات دعوی]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بدلائل اثبات دعوی شور اول. چون خبر کمیسیون طبع و توزیع شده است مقدمه خواننده میشود بعد در مواد مذاکره میشود خبر از کمیسیون قوانین عدلیه بمجلس شورای ملی کمیسیون قوانین عدلیه در چند جلسه با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۷۶ دولت راجع بدلائل اثبات دعوی را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه در اطراف هر يك از مواد بالاخره لایحه پیشنهادی برای شور اول با اصلاحاتی تصویب و علیهذا خبر آنرا برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

رئیس - مذاکره در کلیات است (مخالفی نیست) رأی گرفته میشود بورود در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۲۵۷ جلد سوم - در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷ - هر کس ادعای حقی مینماید باید آن را اثبات نماید و اثبات سقوط حق بر عهده مدعی آن است.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - اینقسمت از قانون مدنی از قسمتهای مهمه قانون است یعنی مباحث دیگری که تاکنون از تصویب مجلس گذشته است مباحثی بوده است که اگر در يك مواردی ابتلاء پیدا شود بآن مواد مراجعه میشود و رفع اشکال میشود مثل قیومت وقتی که صحبت از قیومت میشود ممکن است استناد شود بآن مواد راجع به قیومت ولی این جلد سوم قانون مدنی که طرح شده این جا يك قواعد کلی بیان میکند که در تمام قسمت قانون مدنی ممکن است مورد استفاده واقع شود و بالاخره تکلیف عموم مردم را مبرهن میکند مخصوصا در قسمت قضاوت این موادی که اینجا قید شده مثلا به

خواهد بود در هر قسمت در دعوی که باشد در قسمت اثبات دعوی و در قسمت های دیگری که استناد میشود از این جهت بنظر بنده اگر بیشتر بحث بشود بهتر است. اینجا در ماده ۱۲۵۷ بدیهی است این طرزى که تنظیم شده صحیح است ولی این قسمتی که اینجا بیان شده که اثبات حق با مدعی است این صحیح است ولی چون بطور کلی قواعدی که در قوانین ذکر میشود و تعریفاتی که در قانون میشود تا ممکن است باید جامع افراد باشد یعنی يك افرادی نباشد که در قسمت تعریفش اگر درست دقت کنیم از شمول آن ماده خارج شود راجع بمحکومین ۱۲۵۷ سابقا در قانون تسریع محاکمات در ماده ۶۳ تعریفی که بعمل آمده بطور کلی اثبات دعوی بر عهده مدعی است و هر کس اعتراض میکند باید اعتراض خودش را مدلل بدارد در اینجا این قاعده کلی يك قدری خصوصی تر شده و بیان شده که هر کس مدعی حقی است باید حق خودش را ثابت کند همانطور که عرض کردم این ماده در قسمت خودش صحیح است ولی باین دلائلی که عرض کردم جامع نخواهد بود زیرا بکوقت اتفاق می افتد که یک نفر مدعی آمده ادعای حقی را نمیکند بلکه میخواهد يك امری را تنها ثابت کند مثلا فرض کنید يك کسی میخواهد انحصار وراثت خود را ثابت کند یعنی برود در محکمه صلاحیه ثابت کند که تعداد وراثت مثلا پنج نفر است اینجا احراز یا ادعای يك حقی را نمیکند ولو این که ضمن این هم يك حقی خوابیده ولی ادعای وجود يك امری را در خارج میکنند میخواهد ثابت کند بعد از فوت مورث پنج نفر ورثه داشته پس بنا بر این این تعریفی که در ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات شده در این قسمت کاملتر است برای اینکه در آنجا بطور کلی مطابق قوانین عمومی گفته شده است که اثبات بر عهده مدعیست و همچنین در قسمت اخیر این ماده که گفته شده است اثبات سقوط حق بر عهده مدعی است گاهی میشود که مدعی علیه اسقاط حق را مدعی نمیشود مثلا ممکن است

که گاهی مدعی علیه آمده و اصلا مدعی است که از اول تو حق نداشتی یعنی حقی نبوده که تا ثابت شود آنوقت این قسمت مشمول قسمت اخیر نخواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که آقای وزیر عدلیه اگر ممکن است موافقت فرمایند در اطراف این ماده مذاکره شود و همان طور که در ماده ۶۳ پیش بینی شده است طبق آن ماده اصلاح شود.

وزیر عدلیه - کسر چه چون حالا شور اول است ضرورت ندارد زیاد من توضیح بدهم و ممکن است در شور دوم در کمیسیون اصلاحاتی بشود با نظر خود آقایان اعضاء از جمله خود آقای دکتر جوان ولی چیزی که هست با ملاحظه آن ماده سابق که در اصول محاکمات بود این ماده بنظر ما جامعتر و بهتر آمد اما جامعتر یعنی مساری نمیشویم بگویم ناقص بوده آن هم صحیح بوده ولی این واضح تر است برای اینکه البته مدعی که گفته می شود همیشه مدعی بدوی بنظر می آید. در اذهان این است که او مدعی و این طرف مدعی علیه اگر چه در بین امر به یکی از جهات مدعی علیه بشود مدعی و مدعی بشود مدعی علیه ممکن است اما بالضرورة باز آن اولی مدعی و دومی مدعی علیه است ممکن است اشتباه بشود برای این توضیح اینجا گفته شده است که هر کس که مدعی يك چیزی است اعم از اینکه مدعی بدوی باشد این حق را باید اثبات کند یا کسی که مدعی علیه است نسبت به امری که حقیقتش مدافعه است ولیکن صورت مدعی بخود گرفته احث یعنی يك حرفی را میزند باید اثبات کند من این تعهد را انجام کردم. این طلب را پرداخته ام و از این قبیل این را باید اثبات کند ثبوت بر عهده او باید باشد برای اینکه اشتباه نشود که همیشه اثبات بر عهده مدعی اولی است این توضیح اینجا داده شد یعنی توضیح نیست عبارت اینطور نوشته شده است که واضح باشد. اما قسمت اینکه در کلمه حق ممکن است اسقاط حقی بکند و دایره را تنگ کند اینطور نیست زیرا که اینها مراد دعوی حقوقی است حقوقی است

مدنی است و هیچکس نمیتواند دعوی کند امری را که حقی از برای او اثبات نکند نوع حق را. حق لازم است که مال باشد یا امور مربوطه بمال باشد ممکن است سب باشد باشد وراثت باشد وراثت هم يك حقی است که مثال زدند بدون فرض حقی از برای کسی نمیتواند مدعی واقع شود در امور حقوقی.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر جوان

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲۵۷ طبق ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات اصلاح شود.

رئیس - بکمیسیون میرود. ماده ۱۲۵۸

ماده ۱۲۵۸ - دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است

۱ - اقرار

۲ - اسناد کتبی

۳ - شهادت

۴ - امارات

۵ - قسم

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - اولاً اینجا ظاهر عبارت این است که امارات هم از دلائل اثبات دعوی است مستقیماً و مستقلاً در صورتیکه اینطور نیست امارات مستقلاً و مستقیماً از دلائل اثبات دعوی نیست باین معنی که حاکم یا قاضی نمیتواند بدون ابراز سندی که در بین باشد و شهادتی که داده شود بصرف امارات يك حکمی بدهد این است که ظاهر عبارت این است که امارات هم مستقلاً از دلائل اثبات دعوی است و دیگر اینکه قسم را این جاز دلائل اثبات دعوی قرار داده است در صورتیکه اینطور نیست بلکه قسم همیشه مترجه طرف یعنی مدعی علیه است که منکر باشد و اگر او رد کرد باین طرف و رجوع قیوم باین کرد آنوقت از دلائل اثبات دعوی است فی الجمله این را مطلقاً نوشتن که قسم از دلائل اثبات دعوی است خوب نیست و صحیح نیست.

وزیر عدلیه - بعد از خوانده شدن مواد و توضیحاتی

که داده شد جواب آقا داده میشود و خودشان هم مطالعه بفرمایند ملتفت خواهند شد و قانع میشوند.

مخبر - علت این است که آقای دیبا در مرخصی تشریف داشتند که شور این قانون در کمیسیون عدلیه شد همینطور که آقای وزیر عدلیه میفرمایند در واقع این فهرست است و هر کدام از اینها بابی دارد و در باب قسم عینا همان است که فرمودید.

[۵ - معرفی معاونین وزارت امور خارجه و داخله]

رئیس - آقای رئیس الوزراء
رئیس الوزراء - آقای سهریلی بمعاونت وزارت امور خارجه و آقای سیاح بمعاونت وزارت داخله باقی هستند چون آقایان وزراءشان حاضر نیستند آقایان را بنده معرفی میکنم که کارهایی را که در مجلس دارند معوق نماند.

[۶ - بقیه مواد لایحه مربوط بدلائل اثبات دعوی]

رئیس - ماده ۱۲۵۹ :
کتاب اول - در اقرار
باب اول - در شرایط اقرار
ماده ۱۲۵۹ - اقرار عبارت از اخبار حقی است برای غیر بر ضرر خود.

رئیس - ماده ۱۲۶۰ :
ماده ۱۲۶۰ - اقرار واقع میشود بهر لفظی که دلالت بر آن نماید

رئیس - آقای دکتر جوان
دکتر جوان - چون در کمیسیون مذاکره شد بنده ماده ۱۲۶۰ را اصلاحاً زائد میدانم برای اینکه ماده قبل وقتی که اقرار را معرفی کرد بدیهی است بهر لفظی باشد کافی است این اشکالی ندارد و این بسته است باین که قاضی بجهت ترتیب استنباط کند از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که این ماده حذف شود.

مخبر - با توجهی که کردند و با سوابقی که در ذهن مانده است بمقیده بنده توضیح واضحی است البته اقرار اخبار حقی است بر ضرر خودش لیکن ممکن است اختلاف شود که بچه لفظ باشد این است که در این ماده توضیح شد بهر

لفظی که مشعر این معنی باشد اقرار واقع میشود.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر جوان :
پیشنهاد میکنم ماده ۱۲۶۰ زائد است حذف شود.
رئیس - مراجعه میشود به کمیسیون. ماده ۱۲۶۱ :
ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

رئیس - ماده ۱۲۶۲ :
ماده ۱۲۶۲ - اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنا بر این اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

رئیس - آقای دکتر جوان
دکتر جوان - در ماده ۱۲۶۲ نوشته شده است که اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد این ماده قبل از آنکه مطابق قانون اخیری که از مجلس گذشت بعنوان رشد تعریف شده باشد لازم بود ولی بعد از آنکه آن قانون گذشت با آن تعریفی که شد که باید به هجده سال تمام رسیده باشد بنده عقیده دارم که باید این دو کلمه عاقل و بالغ از ماده ۱۲۶۲ تبدیل شود به کلمه رشید (اورنگ - اضافه شود نه تبدیل) خیر رشید هم باید عاقل باشد و هم بالغ باشد پس این دو کلمه بالغ و عاقل باید تبدیل شود به کلمه رشید و ماده اینطور میشود که باید رشید و قاصد و مختار باشد خصوصاً آن مثالی که بعداً ذکر کرده که اقرار صغیر و مجنون نافذ نیست این بیشتر توضیح این مطلب است.

وزیر عدلیه - بهتر این است که پیشنهاد کنید و در کمیسیون مطرح شود تفاوتی هست در اینجا چون اقرار غیر بالغ به چوچه مسموع نیست ولی اقرار غیر رشید غیر رشیدی که اثبات نشده است عدم رشدش فقط بواسطه کمی سن او را غیر رشید محسوب کردیم ممکن است که قبل از رسیدن بسن هجده رشدش در محکمه ثابت شود بنا بر این اگر ثابت شد اقرارش هم نافذ خواهد بود این البته يك ملاحظه است و بعد از مراجعه به کمیسیون بحث خواهد شد.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر جوان

پیشنهاد می کنم در ماده ۱۲۶۲ جمله بالغ و عاقل به کلمه رشید تبدیل شود.

رئیس - بکمیسیون رجوع خواهد شد. ماده ۱۲۶۳ :
ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.
رئیس - ماده ۱۲۶۴ :

ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست.
رئیس - ماده ۱۲۶۵ :

ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه باموال خود بملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء اثر نمیشود تا افلاس او معین گردد.

رئیس ماده ۱۲۶۶ :
ماده ۱۲۶۶ - در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه بنفع او اقرار شده است بشود.

رئیس - ماده ۱۲۶۷ :
ماده ۱۲۶۷ - اقرار به نفع میت در باره ورثه میت مؤثر خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۲۶۸ :
ماده ۱۲۶۸ - اقرار معلق مؤثر نیست.

رئیس - ماده ۱۲۶۹ :
ماده ۱۲۶۹ - اقرار بامری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا بر حسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

رئیس - ماده ۱۲۷۰ :
ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود.

رئیس - ماده ۱۲۷۱ :
ماده ۱۲۷۱ - مقرله اگر بکلن مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است و مطابق قوانین محاکمات عمل خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۲۷۲ :
ماده ۱۲۷۲ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آنرا ملزم قرار داده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۷۳ :
ماده ۱۲۷۳ - اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده بشرط آنکه منازعی در بین نباشد.

ماده ۱۲۷۲ - در صحت اقرار تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر اقرار را تکذیب کند در حق او اثری نخواهد داشت.

رئیس - ماده ۱۲۷۳ :
ماده ۱۲۷۳ - اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده بشرط آنکه منازعی در بین نباشد.

رئیس - ماده ۱۲۷۴ :
ماده ۱۲۷۴ - اختلاف مقرله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست.

رئیس - ماده ۱۲۷۵ :
باب دوم - در آثار اقرار

ماده ۱۲۷۵ - هر کس اقرار بحقی برای غیر کند ملزم باقرار خود خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۲۷۶ :
ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.

رئیس - ماده ۱۲۷۷ :
ماده ۱۲۷۷ - انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده میشود و همچنین است در صورتیکه برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد اینک بگوید اقرار بگرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر باقرار نیست.

رئیس - ماده ۱۲۷۸ :
ماده ۱۲۷۸ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آنرا ملزم قرار داده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۷۹ :
ماده ۱۲۷۹ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آنرا ملزم قرار داده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۷۸ :
ماده ۱۲۷۸ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آنرا ملزم قرار داده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۷۹ :
ماده ۱۲۷۹ - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آنرا ملزم قرار داده باشد.

ماده ۱۲۷۹ - اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می توان ب شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی ب شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

رئیس - ماده ۱۲۸۰ :

ماده ۱۲۸۰ - اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

رئیس - ماده ۱۲۸۱ :

ماده ۱۲۸۱ - قید دین در دفتر تجار بمنزله اقرار کتبی است.

رئیس - ماده ۱۲۸۲ :

ماده ۱۲۸۲ - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید بقید یا وصفی باشد مقرله نمیتواند آنرا تجزیه کرده از قسمتی از آنکه بمنفع اوست بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.

رئیس - ماده ۱۲۸۳ :

ماده ۱۲۸۳ - اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباط تامی بایکدیگر داشته باشد مثل این که مدعی علیه اقرار باخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا این که مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

رئیس - آقای دکتر جوان :

دکتر جوان - راجع باین ماده ۱۲۸۳ در کمیسیون هم مفصلاً مذاکره شد و اینطور بنظر من می آید که آقای وزیر عدلیه موافقت فرمودند که این مثال دوم که اینجا مینویسد (یا اینکه مدعی شود اصل وجه بابت طلب سابق بوده) حذف شود گو یا در کمیسیون هم این جور مذاکره شد ولی در اینجا باز هم بحال خود باقی مانده شاید بنده اشتباه کرده باشم بنده اینطور بنظر من می آید که اینطور مذاکره شد که بودن این مثال در اینجا صحیح نیست و مذاکره هم نتیجه اش باینجا رسید که اگر کسی آمد در محکمه اقرار کرد ولی اقرارش مربوط بحق طرف بادعوی طرف نباشد بیاید بگوید که من بدهکار نیستم و وجهی که

کردم ولی پرداختم معنی این اقرار نتیجه اش این است که الان مدیون نیستم و این اقرار اثری ندارد و این رأی يك انظار و اشباهی هم در قانون خارجه دارد و ناظر باین معنی است ولی وقتی که خوب دقت کنیم این طور نیست این دو قسمت است بکلی نمیتوانیم صرف نظر کنیم از آن قسمتی که او اقرار کرده است به تحقق دین و اشتغال ذمه زیرا که این واقع شد و تحقق دین ثابت شد و نمیتوان آنرا گفت که از بین برود و کالعدم است و مثل این است که این حرف را تزرده است ولی البته چون قید دارد در این جا محول کردیم که مطابق ماده دیگری حکمش بشود و در جای خودش می آید حالا در مثال که اقرار کند که من وجهی را که گرفتم بابت طلب سابق بود این جا میتوان جا داد و بگذردی این بیان آقای نماینده اقتضا دارد که گفته بشود خیلی من مخالف نیستم با حذف مثال ولی بهتر این است که در کمیسیون مذاکره کنیم و دقت کنیم يك قدری در اطرافش حرف بزنیم اگر مصلحت شد البته حذف میشود.

مخبر - من خاطر من است که آقای دکتر جوان در کمیسیون قسمت اولش را صحیح میدانستند یعنی میگفتند اقرار است در قسمت دومش حرف داشتند اما حالا تعجب میکنم که پیشنهاد میکنند که اصل ماده حذف بشود اولاً بنده این را توضیح بدهم که این مربوط به اسناد عادی است اگر اسناد رسمی باشد که البته مطابق قانون ثبت و قانون معاملات رسمی است ولی يك شخصی آمده در محکمه و سند عادی بیرون آورده که از کسی هزار تومان طلبکار است طرف میگوید بلی مدیون بودم ولی پرداخت کردم این قطعاً اقرار کرده است ادعایش را باید ثابت کند و اگر نتوانست ثابت کند مطابق ماده که اسم برده شده رفتار میشود مدعی رد است نه اینکه بگوید من اصلاً مشغول ذمه نبودم ولی آن فرضی که فرمودید که بگوید که بلی هزار تومان من باین شخص مقروض بودم لیکن اینقدر هم طلبکار بودم این را همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند

ممکن است باز در کمیسیون درش بحث کنیم اما شق اولش را که مدعی رد باشد البته اقرار بدین و اشتغال بذمه کرده است و آن قسمت را باید ثابت کنند.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر جوان

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲۸۳ زائد است حذف شود

رئیس - بکمیسیون رجوع میشود. ماده ۱۲۸۴ قرائت می شود:

کتاب دوم.

در اسناد

ماده ۱۲۸۴ - سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد

رئیس - ماده ۱۲۸۵ قرائت میشود:

ماده ۱۲۸۵ - شهادتنامه سند محسوب نمیشود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنظر بنده این ماده که میگوید اساساً شهادتنامه سند محسوب نمیشود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت اگر این ماده باین نحو اصلاح شود ممکن است در جریان امر اسباب زحمت بعضیها فراهم شود و به علاوه موجب تراکم کارها در محکمه شود چون تا کنون يك دعوی بود که بوسیله شهادت شهود قابل اثبات بود مخصوصاً در قانون شهادت و امارات همین مواد بعدی که اینجا آمده آنجا هم بود ولی در آنجا محاکم بطور کلی نظر بسایر موادی که بود تنها شهادتنامه را قبول نمیکردند که بخودی خود مستند يك حکمی واقع شود بلکه شهادتنامه را از این حیث قبول میکردند که حکایت میکرد يك شهودی در خارج هست منتها در رسیدگی ادعا میکردند و یا اینکه یکی از اصحاب دعوی تقاضا میکرد که شهود خودش را در محکمه اقامه کنند و مخصوصاً در مواردی که شهود با یکدیگر تبانی کرده اند یا اینکه شهادت دروغ داده اند که يك بیک بیابند در محکمه و شهادت بدهند والا برای اینکه کذبشان معلوم نشود تبانی میکنند در يك مورد بخصوصی شهادتشان

را بنویسند ولی اگر بیابند در محکمه طرف حق دارد آنها را جرح بکند و توضیحاتی بدهند معلوم شود که تبانی کرده اند و اطلاع نداشته اند از اصل موضوع و دروغ شهادت داده اند از این جهت مواد دیگر صراحت دارد که مدعی علیه حق دارد شهود را جرح کند که در محکمه طرف حق داشته باشد آنها را جرح کند و قاضی هم توضیحات بخواهد اینها برای پیدا کردن حقیقت امر است ولی در اینجا قید شده که شهادتنامه اعتبار شهادت را فقط خواهد داشت این ماده چه اثری دارد این اثر را که يك وقتی قاضی بگوید چون چند نفر شهادت دادند بر وقوع فلان امر و مطابق ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی هم شهادت نامه اثر شهادت دارد من اصلاً محتاج نمی بینم که اصلاً در محکمه حاضر شوند من حکم میدهم و برطبق این ماده قابل نقض در مقامات بالاتر نخواهد بود برای اینکه برطبق يك ماده حکم صادر شده باین جهت بنده عقیده داشتم که این ماده اساساً اگر نباشد محاکم بموجب ماده دیگری راجع بشهادت نمیتوانند استشهاد را رد کنند شهادت یکورقه است که حکایت میکنند که يك شهودی در خارج بودند ولی شهادت را در محاکم که تا کنون عمل کرده اند مستند حکم قرار نداده اند فقط موضوع رسیدگی به شکایت است که تحقیقات عملی بکنند یا از شهود شهادتشان را در محکمه استماع کنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این ماده اساساً زائد است و حذف شود.

وزیر عدلیه - ماده ۱۲۸۵ در حقیقت استثنائی است بر ماده ۱۲۸۴ چون عبارت این است که میگوید سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد البته بظاهرش شامل میشود يك ورقه را که عبارت است از شهادت نامه این هم يك نوشته است که در مقام دعوی و دفاع قابل استناد است خواستیم بگوئیم که این سند نیست که دارای آثار سند باشد یعنی در هر جموعالی بکار برود و آن آثار و لوازمی که بر سند مترتب

است مثل دعوی جمعیت و از اعتبار افتادن و آنهایی که بعد خواهد بود داشته باشد باین ملاحظه اینرا از سند بودن بیرون کردیم حالا باقی میماند قسمت دومیش اولی باین مناسبت است قسمت دومی که میگوید فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت اینجا بعضی از انتقادات تصور میکنم بواسطه مشوب بودن ذهن است از يك اوضاع و احوالی که پیش از این در يك مواردی پیدا شده است و آن اوراقی است که بقول معروف با مهر مسجد شاهی پر میکردند یعنی آن دسته مهر هائی که در مسجد شاه بود و میزدند و اسبش را میگذاشتند استشهاد این قدری ذهن را مشوب کرده در صورتیکه ممکن است همان چیزی را که کسی تلفظ کرده است همان را هم بنویسد و این از قلمش جاری شده آن از زبانش جاری شده است روحاً و حقیقتاً هر دو یکی است این مکتوب است آن ملفوظ است منتهی این است که محکمه وقتی که لازم دانست توضیحاتی را از شاهد بخواهد یا وضیعت خود شاهد را ملاحظه کند یا برای اینکه طرف می خواهد جرح کند حرف او را و شهادت او را احضار میکند بمحکمه و هیچ مانعی ندارد و این قسمت در اصول محاکمات رعایت خواهد شد پس آن قسمت های دیگر جنبه اصول محاکماتی دارد و منظور خواهد شد که در موردی که کاملاً مردد باشند یا محکمه اطمینان نکنند یا محتاج بتوضیح باشد یا طرف حضور شهود را بخواهد محکمه باید احضار کند ولی اگر فرض کنیم که يك شهادت نامه است که اشخاصش تماماً معتبر و موثقتند و هیچ تردیدی در صدق شهادت آنها نیست خط و مهرشان هم معلوم است و هیچ مطلب قابل این نیست که توضیح دیگری بخواهند نباید گفت که محکمه این را دور بیندازد و کان لم یکن فرض کند پس آن قسمت هائی که بنظر آقای نماینده آمده بود در آن قسمت دوم در اصول محاکمات طوری رعایت خواهد شد که جلوگیری از بعضی مظلورات متصوره بکنند.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر جوان

بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۲۸۵ زائد است حذف شود.
رئیس - بکمیسیون رجوع می شود. ماده ۱۲۸۶ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۸۶ - سند بردو نوع است رسمی و عادی
رئیس - ماده ۱۲۸۷ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۸۷ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است.
رئیس - ماده ۱۲۸۸ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۸۸ - غیر از اسناد مذکوره در ماده فوق سایر اسناد عادی است.
رئیس - ماده ۱۲۸۹ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۸۹ - اسناد رسمی در باره طرفین و وراثت و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت باشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد.
رئیس - ماده ۱۲۹۰ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۰ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته در باره طرفین و وراثت و قائم مقام آنان معتبر است.
 ۱ - اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتهی الیه تصدیق نماید.
 ۲ - هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است.
رئیس - ماده ۱۲۹۱ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۱ - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف میتواند ادعای جمعیت ثبت با اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

رئیس - ماده ۱۲۹۲ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۲ - هرگاه سند بوسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتیکه دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.
رئیس - ماده ۱۲۹۳ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۳ - عدم رعایت مقررات راجعه بحق تمبر که به اسناد تعلق می گیرد سند را از رسمیت خارج نمی کند.
رئیس - ماده ۱۲۹۴ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۴ - محاکم ایران با اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجی اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارای باشد مشروط بر اینکه اولاً - اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.
 ثانیاً - مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه بنظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد
 ثالثاً - کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.
 رابعاً - نماینده سیاسی و یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.
رئیس - ماده ۱۲۹۵ قرائت میشود:
 ماده ۱۲۹۵ - هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود بتوسط نماینده سیاسی یا قنصلی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج طهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشد.

قانون مدنی

کتاب دهم

در حجر و قیمومت

فصل اول - در کلیات

ماده ۱۲۰۷ - اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱ - سفار

۲ - اشخاص غیر رشید.

۳ - مجانین

ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

ماده ۱۲۰۹ - هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود.

ماده ۱۲۱۰ - هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به هجده سال تمام بعنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

ماده ۱۲۱۱ - جنون بهر درجه که باشد موجب حجر است.

ماده ۱۲۱۲ - اعمال واقوال صغیر تا حدی که مربوط باموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذک صغیر میز می تواند تملك بلاعوض کند. مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حيازت مباحات.

ماده ۱۲۱۳ - مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمیتواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه مینماید نافذ است مشروط بر اینکه افاقه او مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۴ - معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبل داده شده باشد یا بعد از انجام عمل. معذک تملكات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

ماده ۱۲۱۵ - هر گاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر میز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

ماده ۱۲۱۶ - هر گاه صغیر یا مجنون با غیر رشد باعث ضرر غیر شود ضامن است.

ماده ۱۲۱۷ - اداره اموال سفار و مجانین و اشخاص غیر رشید بعهده ولی یا قیم آنان است بطوریکه در باب سوم از

کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

فصل دوم

در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۹۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم میشود.

باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

رئیس - ماده ۱۳۰۱ قرائت میشود:

ماده ۱۳۰۱ - هر گاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مقدار سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضاء نداشته و یا بوسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.

رئیس - ماده ۱۳۰۲ قرائت میشود:

ماده ۱۳۰۲ - در صورتیکه بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل محضی با امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آنرا قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۳۰۳ قرائت میشود:

ماده ۱۳۰۳ - هر گاه امضای نهیدی در خود تمهد نامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تمهد نامه بر علیه امضاء کننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تمهد یا معامله مربوط است.

رئیس - ماده ۱۳۰۴ قرائت میشود:

ماده ۱۳۰۴ - در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط در باره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و قائم مقام آنان معتبر است.

[۷- موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم (صبح است) جلسه آینده روز سه شنبه هشتم مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح قانونی (مجلس ساعت یازده و سه ربع ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

رئیس - ماده ۱۲۹۶ قرائت میشود:

ماده ۱۲۹۶ - دفاتر تجارتنی در موارد دعوی تجاری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتنی حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط بر این که دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۹۷ قرائت میشود:

ماده ۱۲۹۷ - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع اوست قبول و آنچه را که بر ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند.

رئیس - ماده ۱۲۹۸ قرائت میشود:

ماده ۱۲۹۸ - دفتر تجارتنی در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود:

۱ - در صورتیکه مدلل شود اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد

۲ - وقتیکه در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد

۳ - وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً بجهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۹۹ قرائت میشود:

ماده ۱۲۹۹ - در مواردی که دفتر تجارتنی بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

رئیس - ماده ۱۳۰۰ قرائت میشود:

ماده ۱۳۰۰ - امضائی که در روی نوشته یا سندی

۱ - برای صفاریکه ولی خاص ندارند.

۲ - برای مجانبین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳ - برای مجانبین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد.

ماده ۱۲۱۹ - هر يك از ابوبن مكلف است در مواردیکه بموجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا بنماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

ماده ۱۲۲۰ - در صورت نبودن هیچیک از ابوبن یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که با شخص محتاج بقیم در یکجا زندگی مینمایند.

ماده ۱۲۲۱ - اگر کسی که بموجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف بانجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

ماده ۱۲۲۲ - در هر موردیکه مدعی العموم بنحوی از انحاء بوجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید بمحکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب میدانند بمحکمه مزبور معرفی کنند.

محکمه شرع از میان اشخاص مزبور يك یا چند نفر را بسمت قیم معین و حکم نصب او را صادر میکند و نیز محکمه مزبور میتواند علاوه بر قیم يك یا چند نفر را بعنوان ناظر معین نماید. در اینصورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند.

اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از یار که خواهد خواست.

ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانبین مدعی العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را بمحکمه ابتدائی ارسال دارد.

در صورت اثبات جنون مدعی العموم بمحکمه شرع رجوع میکند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی العموم مکلف است که قبلاً بوسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاقت او بدست آورده در صورتیکه سفاقت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم بمحکمه شرع رجوع نماید.

ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده بعهده مدعی العموم خواهد بود.

نظارت و نظارت مدعی العموم بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۱۲۲۵ - همین که حکم جنون یا عدم رشد یکنفر صادر و بتوسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی العموم میتواند حجر او را اعلان نماید ایشار حجر هر کسی که نظر بوضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالتسبه عمدتائی واقع گردد الزامی است.

ماده ۱۲۲۶ - اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعلت جنون یا سفه مجبور می گردند بسلطنته دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه بدفتر مزبور برای عموم آزاد است.

ماده ۱۲۲۷ - فقط کسی را محاکمه و اذیت و رد قلمن استماع و معنی قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قایلان مقام محکمه شرع مجبورند بپذیرش آن.

ماده ۱۲۲۸ - در خارج ایران مأمورین قونسولی ایران حق دارند نسبت بایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود زود حوزه مأموریت آنها ساکن یا مهیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارك عمل خود را بوسیله وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی میگردد که محکمه شرع طهران تصمیم مأمور قونسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۲۲۹ - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران بعهده مأمورین قونسولی خواهد بود.

ماده ۱۲۳۰ - اگر در عهد و قرار داد های منعقد شده بین دولت ایران و دولتی که مأمور قونسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا میکنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهد نامه یا قرار داد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

ماده ۱۲۳۱ - اشخاص ذیل نباید بسمت قیمومت معین شوند.

- ۱ - کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
- ۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاه برداری - اختلاس - هتك ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی بتقصیر.
- ۳ - کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
- ۴ - کسانی که معروف بفساد اخلاق باشند.
- ۵ - کسی که خود یا اقرباه طبقه اول او دعوائی بر محجور داشته باشد.

ماده ۱۲۳۲ - با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء محجور مقدم بر سایرین خواهند بود.

ماده ۱۲۳۳ - زن نمیتواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند.

ماده ۱۲۳۴ - در صورتیکه محکمه بیش از یکنفر را برای قیمومت معین کند می تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

فصل سوم - در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی العموم در امور صغار و مجانبین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵ - مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه با اموال و حقوق مالی او با قیم است.

ماده ۱۲۳۶ - قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده يك نسخه از آنرا با امضاء خود برای مدعی العموم بدایت که مولی علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی العموم یا نماینده او باید نسبت بمیزان دارائی مولی علیه تحقیقات لازمه بعمل آورد.

ماده ۱۲۳۷ - مدعی العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالانه مولی علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید و بقیه نمی تواند بیش از مبلغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی العموم.

ماده ۱۲۳۸ - قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه نماید مسئول ضرر و خسار آن است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به فریب یا تعدی قیم نباشد.

ماده ۱۲۳۹ - هر گاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق بمولی علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شدیم است که آن مال در صورت لزوم قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است بمولی علیه وارد شود بعلاوه در صورتیکه عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد.

ماده ۱۲۴۰ - قیم نمی تواند بسمت قیمومت از طرف مولی علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی علیه را بخود منتقل کند یا مال خود را با او انتقال دهد.

ماده ۱۲۴۱ - قیم نمیتواند اموال غیر منقول مولی علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله ای کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی علیه شود مگر بالحفاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملائمت قیم میباشد و نیز نمی تواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر یا تصویب مدعی العموم.

ماده ۱۲۴۲ - قیم نمی تواند دعوی مربوط بمولی علیه را بصلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم.

ماده ۱۲۴۳ - در صورت وجود موجبات موجه مدعی العموم میتواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع باداره اموال مولی علیه بخواهد.

تضمین نوع تضمین بنظر محکمه است هر گاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل میشود.

ماده ۱۲۴۴ - قیم باید لا اقل سالی یکمرتبه حساب تصدی خود را بمدعی العموم یا نماینده او بدهد و هر گاه در ظرف یکماه از تاریخ مطالبه مدعی العموم حساب ندهد بتقاضای مدعی العموم معزول میشود.

ماده ۱۲۴۵ - قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر بمولی علیه سابق خود بدهد هر گاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه باید حساب زمان تصدی باید بقیم بدهد.

ماده ۱۲۴۶ - قیم می تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند. میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین میگردد.

ماده ۱۲۴۷ - مدعی العموم میتواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلاً یا بعضاً باشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه و اگذار نماید. شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده بمولی علیه خواهند بود.

فصل چهارم - در موارد عزل قیم

- ماده ۱۲۴۸ - در موارد ذیل قیم معزول میشود:
- ۱ - اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و با این صفت از اوسلب شود.
 - ۲ - اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد سرقت - خیانت در امانت - کلاه برداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال و رشکستگی بتقصیر یا تقلب.
 - ۳ - اگر قیم بعلتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند.
 - ۴ - اگر قیم ورشکسته اعلان شود.
 - ۵ - اگر عدم لیاقت یا توانایی قیم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود.

۶ - در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴. بتقاضای مدعی العموم

ماده ۱۲۴۹ - اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد معزل میشود.

ماده ۱۲۵۰ - هر گاه قیم در امور مربوطه با اموال مولی علیه با جنحه یا جنایت نسبت بشخص او مورد تعقیب مدعی العموم واقع شود محکمه بتقاضای مدعی العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولی علیه معین خواهد کرد.

ماده ۱۲۵۱ - هر گاه زن بیشوهری ولو مادر مولی علیه که بسمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یکماه از تاریخ انعقاد نکاح بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت مدعی العموم یا نماینده او میتواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم فاطمه کند.

ماده ۱۲۵۲ - در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی العموم میتواند تقاضای عزل او را بکند.

فصل پنجم - در خروج از تحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳ - پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع میشود.

ماده ۱۲۵۴ - خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی علیه یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضا نماید تقاضا نامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی العموم حوزه که مولی علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او بمحکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

ماده ۱۲۵۵ - در مورد ماده قبل مدعی العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت برفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید.

در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان میشود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.

ماده ۱۲۵۶ - رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

این قانون که مشتمل بر پنجاه ماده است در جلسه اول مهرماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری